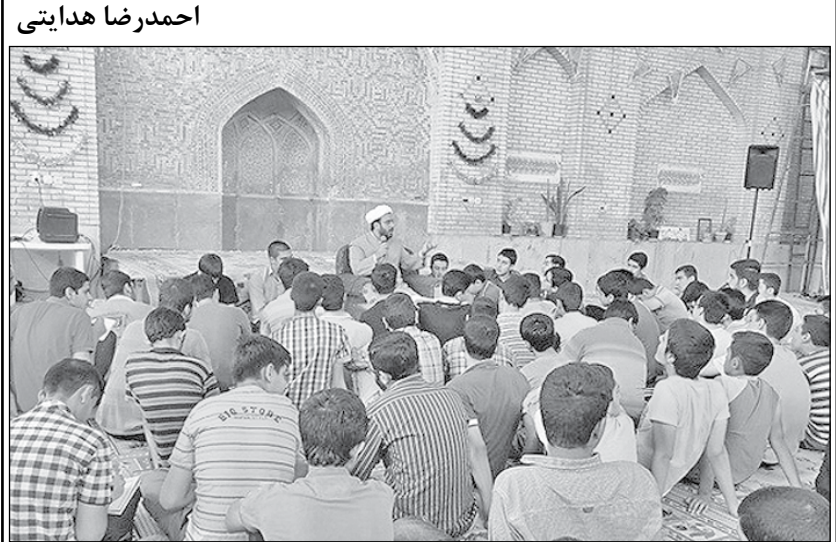


نقش مساجد و مدارس در بهبود رفتارهای اجتماعی



اگرچه بخش قابل توجهی از ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی در جامعه ناشی از تلاش رسانه‌های خارجی برای فاصله گرفتن مردم از اصول و ارزش‌های اسلامی و تغییر سبک و سلوک زندگی آنهاست و اگرچه منطقاً نهاد خانواده، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در رفع یا گسترش این مظالم برعهده دارد، اما معمولاً انگشت اتهام، نظام آموزشی کشور را نشانه می‌رود. این نگاه شاید خیلی هم بی‌ربط نباشد، چرا که تجارب سایر کشورها بیانگر آن است که در جریان تعاملات زندگی اجتماعی، نظام آموزشی و فرهنگی کشورها از جمله؛ دانشگاه‌ها، مدارس و رسانه‌های جمعی، نقش اساسی را در این زمینه بر عهده دارند، اما در کشور ما علاوه بر نظام آموزشی و فرهنگی، این انتظار وجود دارد که حوزه‌های علمیه و همچنین هیئت‌های مذهبی و مساجد نیز، با به روزرسانی مباحث و فعالیت‌های خود، نقش پررنگتری را در این رابطه ایفا نمایند.

به‌عنوان مثال، درس رفتارهای اجتماعی در مدارس و توصیه‌های اخلاقی و رفتاری علمای بزرگوار در مساجد و مباحث علمی و تحقیقی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌تواند، دربرگیرنده آموزش برخورد عقلانی و شرعی با انبوه معضلات و مشکلات جدید و نوظهوری باشد که به علل مختلف از جمله؛ اقدامات مخرب دشمن در شبکه‌های مخابراتی و فضای مجازی، به‌تدریج در جامعه رسوخ یافته و در حال نهاندین شدن است. چرا که رسانه‌های موردشاره معمولاً در جریان تقابل با انقلاب اسلامی، در گام نخست و در اقدام هماهنگ و فراگیر برای فرهنگ‌سازی غلط، تلاش می‌کنند، تا ابتدا با بزرگنمایی و غلو در مورد وجود ناهنجاری‌های اجتماعی، بروز این رفتارها را عادی و ناشی از ضعف فرهنگی و ناکارآمدی نظام اسلامی جلوه دهند و سپس با تعمیم و گسترش آن در جامعه، بروز و پیدایش این رفتارها را اجتناب‌ناپذیر اعلام نمایند.

این در حالی است که اولاً اکثر ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری موجود در جامعه، به افراد خاصی محدود می‌شود و فراگیر بودن آن به هیچ‌وجه صحت ندارد. ثانیاً فرهنگ ایرانی و اصول و ارزش‌های اسلامی سرسشار از مفاهیم ارزشی و آموزه‌های اخلاقی ارزشمندی است که چنانچه ما سعی در مسیر اراده و اجرای آنها ایجاد نشود، به راحتی قادرند الگویی نمونه و در تراز اهداف عالیه انقلاب را به تصویر بکشند.

مهمترین موضوعات اجتماعی قابل طرح در مدارس، مساجد حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها

از آنجا که یک انسان دیندار واقعی، خود را متعهد و ملزم به رعایت همه اصول عقلی، شرعی و قانونی می‌داند، لذا معرفی اصولی و اجامی دین اسلام با تأکید بر خودشناسی و خدانشناسی و بیان منطقی اصول و ارزش‌های اسلامی، از جمله؛ اهمیت صداقت و راستگویی، رعایت احترام به دیگران (پدر و مادر، اساتید و معلمان، دانشمندان و علما و ...) و سایر موضوعات مشابه و همچنین بیان ضرورت و چگونگی مشارکت در نوجوانان محسوب می‌شود و باید در اولویت نظام آموزشی باشد.

بدیهی است، رشد و پیشرفت هر کشور، مستلزم برخورداری از وجود افراد مؤثر و کارآمد است، بنابراین تربیت جوانان و نوجوانان



هر از گاهی با کله و شکایت خانواده‌ها روبرو می‌شویم که فرزندانشان حرف آنها را گوش نمی‌دهند و یا برخلاف رای و نظر آنها رفتار می‌کنند، این اتفاقات می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. بنابراین شناسایی دلایل لجبازی فرزندان می‌تواند ما را در اتخاذ تصمیم درست در رابطه با رفتار او کمک کنند.
خیلی از اتفاقات در دوره کودکی به دلیل خود محور بودن بچه‌ها و برای اینکه خودشان را به دیگران اثبات کنند روی می‌دهد، یعنی بچه‌ها با متوسل شدن به انواع راه‌حل‌ها و رفتارها سعی بر جلب توجه و نظر دیگران به

وقوع زلزله در استان کرمانشاه که باعث جان باختن و مصدومیت جمعی از هموطنان و بی خانمان شدن عده‌ای دیگر شد، موجی از غم و اندوه را در روزهای گذشته در کشور حاکم کرد.
با اینکه این حادثه برای اولین بار در کشور مارخ نداد امار خدای بسیار تلخ و غم‌انگیز بود. ر خدای که بسان یک هشدار می طلبد یکبار دیگر برای رفع کمبودها و رفع زمینه‌های افزایش خسارت در بلایای طبیعی کاوش جدی صورت گیرد تا در حوادث احتمالی آینده حسرت کارهایی که برای پیشگیری از آسیب دیدن جان و مال مردم می شد انجام داد را نخوریم.
اما چندی از تلخی های ذاتی بلایای طبیعی و غم مصیبت هموطنان این روزها و پس از وقوع این زلزله مشاهده اتفاقاتی هستیم که نه تنها از تلخی حادثه می کاهد بلکه باعث نورافشانی خورشید امید و آرامش بر دل های غمزه می شود.
آری صحبت از موج همدردی و کمک‌رسانی برشور مردم غیور کشورمان به حادثه دیدگان اخیر است که در این نوشتار بیشتر به آن می‌پردازیم.

تاریخچه حوادث و بلایای طبیعی و غیر طبیعی در کشور ما شاید به درازای تاریخ کهن و برپار این سرزمین باشد. مردم این سرزمین از دیرباز شاهد اتفاقاتی تلخ و شیرین بوده‌اند و نگاهی گذرا به تاریخ این کشور تا زمان حال نشان می‌دهد که گذر از رخدادهای تلخ و رسیدن به وقایع شیرین هیچگاه میسر نشده است مگر در سایه همدلی و وحدت و از خود گذشتگی ملی.
شاید برای اثبات این ادعا نیاز به سفری طول و دراز به اعماق تاریخ کهن این‌ها نباشد بلکه نگاهی به وقایع دهه‌های اخیر که ملموس تر است کافی باشد.

ملموس‌ترین خداد فز اخیر در کشور ما وقوع انقلاب اسلامی است که حرکتی کاملاً مردمی و بر پایه عزم و اراده ملت بود. چگونگی وقوع این انقلاب کم نظیر و شاید بی‌نظیر موضوع گفتار ما نیست اما چه کسی است که انکار کند در راه پیروزی این انقلاب، وحدت کلمه و ایثار و از خود گذشتگی ملت به دور از منیت‌ها و خود محوری‌ها و همچنین منفعت‌طلبی‌های شخصی چه سهم غلظی داشته است؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی این وحدت و ایثار ملی در بالاترین سطح به منصفه ظهور رسید.
شاید خیلی از ما کسانی که از دهه ۶۰ و حال و هوای عجیب، دلنشین و خاص آن با حسرت و آه یاد می‌کنند را دیده باشیم و یا خود کم و بیش این فضا را درک کرده باشیم. شاید برای نسل جوانی که آن سال‌ها



را درک نکرده باشند این سؤال مطرح شود که مگر در آن سال‌ها چه خبر بوده است که عده‌ای همچنان در حسرت آن روزها هستند؟ مگر نه اینکه در آن سال‌ها هنوز نظام اداری و کشورداری مستحکم و منظم نشده بود؛ از طرفی نبود شرایط جنگ و تحریم و کمبود کالاهای اساسی و حتی تا مقطعی ترورهای کور و مشکلات دیگر بود، پس دلیل این همه خاطرات خوش چیست؟

در پاسخ باید گفت: در آن سال‌ها اگر چه سختی‌هایی در کشور وجود داشت اما در سایه فرهنگ ایثار و تلپور از خود گذشتگی که بیشترین تجلی آن در حضور خالصانه رزمندگان و نیروهای مردمی در جبهه‌های حق علیه باطل بود فضای کشور مملو از روح فداکاری و عطر ایثار و جانبازی بود. حضور مردم در جبهه‌ها با یک سو و حضور پرشور مردم در پشت جبهه‌ها برای حمایت و کمک‌رسانی به رزمندگان آن هم در اوج اخلاقی با وجود مشکلات اقتصادی و کمبودهای شدید رنگ و بوی دیگری به جامعه داده بود. هنوز هم روایاتی از کمک‌رسانی مردم حتی نایزنده به جبهه‌ها در هر سطح و توان برای عده‌ای شبیه قصبه می‌نماید. این فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی وقتی در سطح جامعه گسترش پیدا می‌کرد و با عطر خوش فضای معنوی جبهه‌ها و تاریخی انقلابی‌گری آمیخته می‌شد گویی که هر مشکلی برطرف می‌شد. دیگر کمبودها مانع حرکت جامعه نبود. این فضای کاملاً بزرگتر هم در سطح کل جامعه وجود داشت و هم در سطح خرد.

مثلاً مردم یک محل اجازه نمی‌دادند خانواده‌ای که رزمده در نبود مردم خود احساس کمبود کنند و هر کاری برای رفع احتیاجات آنها انجام می‌دادند و رنگ و بامت مثل امروز برخی به رزمنده‌ای که هزاران کیلومتر آن

در برخورد مسایل نافرمانی کودک و نوجوان آماده‌تر نموده و تصمیم گیری را برای ما نشان تر نماید.

چند اقدام مهم

در زیر اقداماتی را یاد آور می‌شویم که با در نظر گرفتن شرایط رشدی فرزندانمان می‌تواند

راهکارهای عملی برای مقابله با لجبازی فرزندان

صیاد حقّی^{*}

کمک حال ما برای تصمیم‌گیری باشد.

۱- از مشاجره و درگیری‌های لفظی در مقابل دید فرزندانمان خود داری‌نماید و الگوی مناسب برای آنها نباشید.

۲- همراه با انتقادی که از فرزندان‌تان دارید، تشویق‌های مناسب را برای اصلاح آنها درنظر بگیرید.

۳- اگر نسبت به فرزند خود انتقادی دارید آن را مختص رفتار کنید و کل شخصیت او را زیر سؤال نبرید.

۴- هیچگاه تسلیم‌گریه و سماجت آنها برای به دست آوردن چیزی نشود، اگر یک بار تسلیم شوید برای همیشه راه را به او نشان داده‌اید.

۵- به وعده‌ها و قول‌هایی که می‌دهید، عمل

اجتماعی

Ejtemaae @kayhan.ir

به هموطنان آسیب دیده می‌شدند.
این روزها نیز که شاهد زلزله ویرانگر در استان کرمانشاه هستیم موجی به مراتب گسترده‌تر از قبل برای کمک‌رسانی به مناطق و مردم آسیب دیده به راه افتاده است که بسیار دلگرم‌کننده و پرشور تر از گذشته خودنمایی می‌کند. هرچند در این روزها برخی اظهار نظرهای غیر واقعی از سوی عده‌ای از مسئولان و رسانه‌ها و همچنین در افشانی؛ و غر زدن برخی به اصطلاح اهالی هنر و ورزش در فضای مجازی به جای تعجیل و تمرکز بر کمک‌رسانی کام مردم و آسیب دیدگان را تلخ کرد اما حرکت مردم غیور و حتی برخی چهره‌های ملی از خانواده ورزش و هنر با حضور به موقع در میدان که در مواقعی حتی گوی سبقت را از برخی مسئولان و دستگاه‌ها ربوندند بسیار دلگرم‌کننده بود.

شور دلنشین کمک به همنوع این روزها تنها مختص توانمندان نبود، دین و شیندن نمونه‌هایی از کمک‌رسانی مردم با هر سطح توانایی‌اشک شوق را در چشم هر انسانی جاری می‌کند. از پیر زنی که چند آب معدنی یا چند کنسرو را هدیه می‌دهد یا شخصی که ۲۰ هزار تومان را درون پاکت گذاشته و در نامه همراه آن از کم بودن هدیه خود عذر خواهی می‌کند یا شنیدن اینکه حتی مددجویان کمته‌ا امداد با وجود نیازمند بودن خود به

هموطنان زلزله زده کمک می‌کنند نشان از عمق تعاون و همدوستی ملت است.

اما نکته اصلی اینجااست، حال که یک بار دیگر

صفحه ۸
سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۶
۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ - شماره ۲۱۷۷۴

آمد و قطعاً آثار و برکات مادی و معنوی بسیار زیادی در سطح اجتماع و زندگی خود خیرین نیز خواهد داشت و اگر این مشکلات به موقع مورد توجه مردم و مسئولان قرار نگیرد تبعات آنها کمتر از زلزله مخرب نباشد.

اردوهای جهادی نمونه‌ای موفق
نمونه بارز این کارهای بر برکت راهاندازی اردوهای جهادی در سال‌های اخیر است. اردوهای که با حضور فداکارانه خیران مومن و بسیجی و اقشار مختلف مردم اعم از دانشجو یا طلبه و... در سطح نقاط دور افتاده و محروم انجام می‌شود و گاه آثار و برکات وصف ناپذیری به دنبال داشته است. در همین اردوها گاه دیده می‌شود عده‌ای دانشجو یا سرمایه‌ای اندک و غمی بزرگ در یک منطقه محروم حضور پیدا می‌کنند و با اولویت‌بندی نیازهای مردم آن منطقه مثل مدرسه، مسجد، درمانگاه یا بازسازی خانه‌های فرسوده روستائیان نیازمند دست به کارهای بزرگی می‌زنند که شاید اگر در روال عادی نامه نگاری اداری و اختصاص بودجه و برگزاری مناقصه و انتخاب پیمانکار و... آن سوی دولت قرار به انجام این کارها به سال‌ها می‌گشت و اقدامی انجام نمی‌شد. با حضور تیم‌های پزشکی بسیج و دانشگاه‌های علوم پزشکی در مناطق محروم گاه چنان تأثیری دارد که در جریان عادی برنامه‌ریزی‌های دولتی و کشوری رقم قابل انجام است.
بی‌شک اگر روحیه و فرهنگ این اردوهای جهادی که یادآور کارهای خیرانه مردم است تا نیت نیک مردم کشورمان مزموذ شود بسیاری از مشکلات جامعه



چرا نباید برای کمک و کار خیر منتظر حوادث بمانیم؟

رفع خواهد شد. اگر سرمایه اندک چند جوان بسیجی برای حضور و خدمت‌رسانی در مناطق محروم با سرمایه متولیان خیر و حتی مردم عادی جمع بسته شود کارهای بزرگی برای رفع محرومیت در مناطق محروم و حتی در شهرهای بزرگ می‌توان انجام داد.

امروز اگر رهبر بزرگوار انقلاب فرمان آتش به اختیار می‌دهند یعنی اینکه مسردم و جوانان و خیران منتظر اقدامات دولت و مسئولان نمانند و اگر در جایی توان رفع مشکل و انجام خدمات اجتماعی را دارند خود از طریق مناسب چه ممکنه خود مشکلات دیگری همچون تشکیل هسته‌های جهادی در شهرها و روستاها و حتی خانواده اقدام کنند.

امروز آنچه می‌تواند گره از کار مشکلات جامعه باز کند بازگشت به فرهنگ و روحیه جهادی در بین همه اقشار جامعه است چرا که ظاهراً نسخه‌های غیر بومی همچون نظریه‌های اقتصاد لیبرالی نه تنها نتوانسته است مشکلات را حل کند بلکه خود مشکلات دیگری همچون شکاف طبقاتی و گسترش فقر در برخی اقشار ضعیف را دامن زده است، بنابراین اگر روحیه جهادی در بین مردم

این روزها در جامعه ما مشکلات و آسیب‌هایی همچون بیکاری، تأخیر در ازدواج جوانان، حمایت از زنان سرپرست خانوار، مشکل مسکن جوانان و سایر اقشار جامعه و... وجود دارد که شاید تبعات آنها گاه کمتر از حوادث طبیعی همچون زلزله نباشد. شکلاتی که می‌توان برای حل هر کدام از آنها علاوه بر نقش و جایگاه دولت و حکومت نقش برجسته‌ای برای مردم خیرخواه کشور قائل شد.

اعم از کاسب و کارمند و صد البته مسئولان حاکم خود هیچ مشکلی بدون راحل باقی نمی‌ماند. این روزها یک بار دیگر شاهد بودیم کارکرد مساجد به عنوان یک پایگاه اجتماعی قوی خودنمایی کرد و جمع‌آوری و ارسال کمک‌های مردمی برای زلزله زدگان از طریق مساجد با چه نظم و شکوهی انجام شد. همچنین از طریق سایر پایگاه‌های مردمی و اصناف نیز شاهد کارهای تحسین برانگیزی بودیم که باید گفت اگر این حضور اجتماعی با محوریت مساجد و اصناف و... تقویت نشود و با مشارکت مردم و تعیین امنای مورد اطمینان در ایسن مراکز برای انجام کارهای خیر کوچک و بزرگ دیگر در طول سال برنامه‌ریزی شود، تأثیرات شگرف و بار برکتی را در حل مشکلات هموطنان خود خواهیم دید.

در این راه دعوت به حضور مردم از طریق رسانه‌ها و همچنین افراد مؤثر در جامعه از جمله علما و صاحب نظران از مسؤلر در جلب مشارکت مردمی و همچنین کمک دولت و معنای بارز از راهکارها و روش‌های مختلف می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

خانواده‌ای که نباشد، مراتب و جایگاه اعضاء آن تناسله، نقش‌ها و مسئولیت‌ها تعریف نشده باشد، پدر و مادر از آرامش لازم برخوردار نباشند و مدام درگیر مسائل روزمره خود باشند، فرزندان آنها نیز دچار طلاطم و از هم گسیختگی خواهند شد.

بچه‌ها در خانواده‌ای که گوش شنوا باشد به راحتی به طرح موضوعات فکری خودشان می‌پردازند و به نوعی تخلیه هیجانی و عاطفی می‌شوند.

برخاشگربی، ایجاد درگیری، مقاومت، مقابله و لجبازی زمانی روی می‌دهد که بچه‌ها دیده نشوند، شنیده نشوند و در واقع با ناکامی و محرومیت عاطفی و رفتاری مواجه شوند، یادمان باشد لجبازی بچه‌ها نشانه‌ای برای توجه طلبی آنها و نشانه‌ای برای عدم رضایت از شیوه‌های تربیتی ماست. نادرست است، بودن، باید و نیابندی بودن، اجازه و قدرت

عمل ندادن به فرزندان، کنترل‌گری بیش از اندازه، مشارکت ندادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌ سازی‌ها همگی از نمونه‌های تربیت ناصواب و نادرست است. بیابیم ادیبانمان را نسبت به این گونه فرزندان عوض کنیم و سبک و داستان زندگی مان را به گونه مثبت‌تری نویسیم و کمی هنم دنیا را از ریشه دید آنها ببینیم.

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

چگونه می‌توان از پتانسیل حضور اجتماعی مردم بهره برد؟

واقعیت این است که همانطور که‌شاره شد مردم مسا در زمان وقوع حوادث ناگوار طبیعی و یا در برگزاری مراسماتى همچون جشن عطفه‌ها در آستانه سال نو و جشن شکوفه‌ها در زمان بازگشایی مدارس ، کمک به آزادی‌زندانان آپرومندبدهکار و البته موارد مشابه با حضور پرشور خود نقش پررنگی در رفع مشکلات هموطنان خود ایفا می‌کنند اما چرا این حضور پر شور دائمی نباشد؟

می‌توان از حضور پر شسور مردم در دستگیری از خصوصیت آتش‌فشان خاموش بودن یا فعال بودن کم است تا اینکه در زمانی خاص به یکباره فوران می‌کند. وقتی می‌توان با یک نگاه وسعیت‌تر از انرژی نهفته و پتانسیل بالای خیرخواهی مردم برای حل مشکلات روزمره جامعه استفاده کرد، به نظر نباید در راه تحقق آن غفلت و تعلل کرد. هرچند وجود و فعالیت سازمان‌هایی چون کميته امداد و مراکز خیریه مختلف در سطح کشور که در حمایت مردم در حال خدمت رسانی هستند، بسیار لازم و ضروری می‌باشند اما با شرایط فعلی و حجم مشکلات موجود کافی نیست.

از یک سو می‌توان برای کمک‌رسانی بیشتر و جذب مشارکت مردم همچون زمان زلزله و حوادث مشابه به این سازمان‌ها و مراکز، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی کرد

و از سوی دیگر می‌توان با تشکیل هسته‌های خودجوش مختلف از جمله هسته‌های خانوادگی، فامیلی، محلی، منطقه‌ای و... برای رفع مشکلات موجود تلاش کرد.

چرا سیل کارهای خیر بیشتر در هنگام مصیبت‌ها جاری می‌شود؟
چه اشکالی دارد مردمی که این چنین پر شور برای بازسازی و ساخت خانه هموطنان بی‌خانمان شده خود در حوادث طبیعی کمک می‌کنند در سایر ایام هم به صورتی همدند و برنامه‌ریزی شده برای خانه دار شدن اقشار کم درآمد و یا فقیر جامعه دست به کار شوند؟ یا حتی در جمع خانواده و یا شهر و محل خود افراد توانمند بانی خانه دار شدن یا حداقل تأمین مسکن به صورت

اجاره برای زوج‌های جوان نیازمند و یا سایرین شوند؟ چه اشکالی دارد مردم اقدام کنند که در حال ارسال اسباب و وسایل زندگی برای زلزله‌زدگان هستند، با شور و عزمی راسخ‌تر طرحی عملیاتی برای تأمین چهریز به نوعروسیان نیازمند اجرا کنند؛ چه در خانواده و فامیل خود و چه در محل و شهر و کشور؟

چه اشکالی دارد عده‌ای از توانمندان یا خود مردم

تأیث شد این ملت در روزهای سخت متحد و یک رنگ در کنار یکدیگر هستند و هر کسی با هر میزان توانایی میدان کمک و دستگیری از نیازمندان و آسیب دیدگان را خالی نمی‌کند و فارغ از دین و مذهب و قوم و نژاد و زبان به وظیفه انسانی خود به بهترین شکل عمل می‌کند، پس چرا این تجلی حماسی حضور، بیشتر در حوادث و بلایای طبیعی و ناگوار خودنمایی می‌کند.

چرا به جای حسرت خوردن برای روزهای شیرین برادری و ایثار دهه ۶۰ که فداکاری در زندگی قابل مبرم جامعه کشورما بود امروز باید آن قدر در زندگی شخصی و ماشینی و تلاش برای تأمین تجملات دست و پاگیر غرق و غافل شوسیم که برای بیداری ما نیاز به یک زلزله چند ریشتری سهمگین باشد.

اگر خود ایثار در بین مردم ما وجود نداشت دلیلی برای افسوس از غفلت از آن نبود، اما حال که ملت ما بارها و بارها حتی برای دستگیری از سایر ملل در مواقع بحرانی وارد میدان شده دوری از زندگی و کمربنگ شدن این حضور در لابه‌های مختلف زندگی اجتماعی این ملت حسرت برانگیز است.

البته بیان این سخن به معنی این نیست که مردم را شرایط عادی و روزمره هیچ کار خیر و ایثار و فداکاری ندارند که شاهد این حضور کمک‌های روزمره مردم به مراکز خیریه کمک به نیازمندان و بیماران و... است، اما خودرن‌ها برای سال‌های روپایی زندگی اجتماعی دهه ۶۰ بیش از پیش خودنمایی می‌کرد.

دیگر گویی ارزش‌ها در جامعه عوض شده بود و انگار مردم در تکاپوی رسیدن به ایده‌آل‌های جدید جامعه از یکدیگر دور می‌شدند و منفعت‌طلبی و فرد گرایی بیشتر

اول بر عهده مسئولان و برنامه‌ریزان کشور است اما متأسفانه گاه کم کاری برخی مسئولان؛ گاه سرگرم بودن آنها به مسائل سیاسی و جناحی؛ گاه کمبود امکانات و منابع دولتی ...منابع از حل کامل این مشکلات می‌شود. مشکلات همچون بیکاری، تأخیر در ازدواج جوانان، حمایت از زنان سرپرست خانوار، مشکل مسکن جوانان و سایر اینها...همه... که می‌توان برای حل هر کدام از آنها علاوه بر نقش و جایگاه دولت و حکومت نقش برجسته‌ای برای مردم خیرخواه کشور قائل شد.

شاید برخی بگویند حل این مشکلات وظیفه مسئولان است یا عده‌ای کمک‌های مردم همین الان نیز

در حال کمک برای حل این مشکلات هستند که باید گفت می‌توان هر دو نظر را بپذیرفت اما واقعیت این است که با همه تلاش‌های مسئولان (گفته‌ش از برخی انتقادات) و صرف بودجه‌های دولتی و ملی و مشارکت مردمی، درصد زیادی از این مشکلات همچنان باقی است.

اینجااست که می‌توان ضمن درخواست و اذعان به توجه بیشتر مسئولان امر، نقش پررنگ تری برای مردم در حل مشکلات موجود قائل شد.

۱۲- به جای شنیدن حرف بچه‌ها، به آنها گوش دهید. گوش دادن به مراتب بارز از شنیدن بهتر از شنیدن قول ندهید.

دادن سر، حالات چهره و گفتن برخی کلمات مانند «بله» و «ووهو» به فرزندان‌تی می‌فهمانید که کاملاً حواس‌تان به او هست و شما متوجه گفته‌ها و حرف هایش شده‌اید.

۱۳- گاهی اوقات در گوش دادن برخی جملات و یا کلمات آنها را به نشانه‌ا توجه به خودشان بازخورد دهید. (یعنی منظور شما از گفتن این حرف این است که...).

۱۴- از کلمات دستوری کمتر استفاده کنید و به جای آن عبارات جایگزین مناسبی مانند «لطفاً» استفاده کنید و از دستوره‌ای پی‌درپی خودداری کنید.

۱۵- زمانی که متوجه شدید می‌خواهد با اصرار یا گریه به هدفی برسد، کاملاً بی‌توجه شوید.

۱۶- از دخالت کسردن در امور فرزندان با یکدیگر خود داری کنید و اجازه دهید تا جایی که ممکن است خودشان مشکلاتشان را باهم حل نمایند. این یک تمرین زندگی برای آینده اجتماعی آنهاست.

۱۷- به فرزندان خود فرصت کافی بدهید و اجازه دهید که در انجام امورات مربوط به خودشان قدرت عمل داشته باشند.

۱۸- با همسر خود مشورت داشته باشید و اگر هر